

Review and analysis of two important treatises of Ayatollah Lari On the Iranian constitutional movement

Reza Hoseinni*

Mohamad Reza Taherian**

Abstract

The importance of the constitutionalism movement in Iran and the thoughts governing it is one of the topics that is of great importance in the field of political thought. To understand the theoretical foundations of the supporters and opponents of constitutionalism, it is very important to refer to the letters and books of the two groups and to understand their thoughts. In the context of the relevant time, it is useful to help. Although many jurists of the constitutional era participated in the movement and the constitutional system, and took a practical and scientific position about it, but two features make Seyyed Abdul Hossein Mojtahed Lari distinguished from them: 1. People's military mobilization in line with the goals of constitutionalism; 2. His special perception of the constitutional system, which was somewhat different from the perception and expectations of other constitutionalist scholars from that system. The abundance of his political writings - which of course is not limited to the constitution - has been one of the features that have provided the basis for paying attention to his personality and political thought. Seyyed wrote treatises to defend his desired constitution, and the Treatise on Legitimate Constitutional Law and the Treatise on Law in the Unity of the State and the Nation are the most important treatises of Seyed Lari in explaining his views on the Constitution and the Shura Assembly. From Seyed's point of view, the Constitution had a completely religious character Basically, there was a

* Assistant Professor of Political Science, Institute of Humanities and Cultural Studies (Corresponding Author),
r.hoseini@ihcs.ac.ir

** Ph.D. student of Political Thought, Islamic Azad University, Research Sciences Unit, Tehran,
sadra_m2007@yahoo.com

Date received: 14/06/2023, Date of acceptance: 04/02/2024



fundamental difference with the views of the constitutional scholars of Tehran and Najaf.

Keywords: Constitutional Movement, Seyyed Abdul Hossein Lari, Legitimate, Constitution, Shura Council.



دیدگاه آیت‌الله سیدعبدالحسین لاری در باب مشروطیت (با تاکید و بررسی دو رساله مهم از سید لاری در باب مشروطه)

سیدرضا حسینی*

محمد رضا طاهریان**

چکیده

اهمیت نهضت مشروطیت در ایران و تفکرات حاکم بر آن، از موضوعاتی است که در حوزه اندیشه سیاسی از اهمیت بالایی برخوردار است. برای فهم مبانی نظری موافقان و مخالفان مشروطه رجوع به رسائل و کتابهای دو طیف از اهمیت بسزایی برخوردار است و به فهم تفکرات آنها در بستر زمانی مربوطه کمکی شایان می نماید. گرچه بسیاری از فقیهان عصر مشروطه، در نهضت و نظام مشروطه شرکت کرده، به موضع گیری عملی و علمی درباره آن پرداختند؛ اما دو ویژگی، سید عبدالحسین مجتهد لاری را از آنها ممتاز می سازد: ۱. بسیج نظامی مردمی در راستای اهداف مشروطه خواهی؛ ۲. تلقی خاص او از نظام مشروطیت که با تلقی و انتظار عالمان دیگر مشروطه خواه از آن نظام، تا حدودی تفاوت داشت. تعدد نوشته های سیاسی او نیز - که البته به مشروطه محدود نمی شود - از ویژگی هایی بوده است که زمینه توجه به شخصیت و اندیشه سیاسی ایشان را فراهم آورده است. سید برای دفاع از مشروطه مورد نظر خود رسائلی به رشته تحریر درآورد و رساله قانون مشروطه مشروعه و رساله قانون در اتحاد دولت و ملت مهمترین رسائل سید لاری در تشریح دیدگاههای ایشان از مشروطه و مجلس شورا است. از دیدگاه سید، مشروطه صبغه ای کاملاً دینی داشت و اساساً با دیدگاه های علمای مشروطه خواه تهران و نجف، تفاوت بنیادی داشت.

کلیدواژه‌ها: نهضت مشروطیت، سید عبدالحسین لاری، مشروطه مشروعه، مجلس شورا.

* استادیار علوم سیاسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (نویسنده مسئول)، r.hoseini@ihcs.ac.ir

** دانشجوی دکتری اندیشه سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات تهران، sadra_m2007@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۲۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۵



۱. مقدمه

انگاره های سیر تکاملی اندیشه های سیاسی جدید در میان عثمانی ها، مصری ها و ایرانیان در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم علی رغم بسیاری تفاوتها در زمینه های اجتماعی و تاریخی شباهت های بسیاری دارند و بیداری ملی در میان همه این ملل ناشی از انتقاد کما بیش همسان از نظام سیاسی موجود و هوا خواهی از استقرار یک نظام قانون یا مشروطه برای حکومت و نوسازی دستگاه دولت به ویژه نهادهای اداری و ارتشی آن بود. (عنایت، ۱۳۸۹: ۲۸۳)

این شباهت ها چه بسا بررسی تطبیقی جریان های روشنفکرانه عثمانی، مصری و ایرانی را در این دوره برای محققان و متخصصان تاریخ این کشورها تا حدی ملال آور بنماید. ولی اندیشه سیاسی در ایران در سه دهه آخر دوره قاجار ویژگی دارد که بی شک، لااقل در سطح همان شباهت ها، در مورد عثمانی و مصر وجود ندارد. این ویژگی همانا موضع قوی و قاطع علمای شیعی ایران در دفاع از نهضت مشروطیت است که به انقلاب ۱۳۲۴ هجری قمری انجامید. حمایت از مشروطه خواهی محدود به علمای باصطلاح «آزادبخواه»- مانند سید محمد طباطبایی، سید عبدالله بهبهانی، ملا محمد کاظم خراسانی، محمد حسین نائینی و بسیاری دیگر نبود... برتر از همه شیخ فضل الله نوری هرگز در فضیلت و فواید وجود مهار قانونی و قدرت شاه و دربار شک نداشتند. از سوی دیگر فقط عده معدودی از منورالفکر ها در داخل جامعه دینی عثمانی یا مصر بودند که به همان موضع و منزلت تعیین کننده و کارساز در مبارزه ملی برای آزادی و استقرار حکومت قانون نائل شدند. (همان، ۱۳۸۹: ۲۸۴)

مقام و منزلت خاص علما در ایران، قدرت و حیثیتی که از رهگذر نقش معنوی، اجتماعی، سیاسی و مالی خود به دست آورده اند، و شرکت فعال آنان در انقلاب مشروطیت مشهور است. آنچه کمتر مشهور و خیلی کمتر مورد تقدیر قرار گرفته شیوه ای است که علما برای تشریح اندیشه های مشروطه خواهی به کار می برده و آنها را با اصطلاحاتی که سازگار با عقاید اسلامی باشد تعبیر می کرده اند. (همان، ۱۳۸۹: ۲۸۵)

انقلاب مشروطیت نمایانگر نخستین مواجهه مستقیم بین فرهنگ سنتی اسلامی و غرب در ایران جدید است. همه کوشش های قدیمی تر در جهت نوسازی، هرچند متضمن تحولات در نظام های حقوقی حکومتی و اداری بود، به راه ها و در حوزه هایی افتاده بود که تماس دوردوری با ارزش های سنتی داشت. هیچ کدام به نحوی آشکار و اساسی با این ارزش ها معارضه نکرده بود (آدمیت، ۱۳۴۸: ۴۱۷)

دیدگاه آیت‌الله سیدعبدالحسین لاری ... (سیدرضا حسینی و محمدرضا طاهریان) ۱۸۵

هدف از این اصلاحات، تضعیف هیچ نهاد یا اصل خاص اسلامی نبود. این گونه اقدامات، همانند کوشش‌های نوین سازانه‌ی مردانی نظیر میرزا ملکم خان، طرفدار «غربی مآب شدن همه جانبه‌ی ایران»، تلاش‌های تک افتاده‌ای بود که بردشان فراتر از نخبگان (elite) معدود نبود. برخلاف اینها، انقلاب مشروطیت نهضتی بود که در تاریخ جدید ایران سابقه نداشت و گروه‌های وسیعی از همه وجوه و طبقات اجتماعی را در بر گرفت و بدین سان بحث و گفتگوی حادی بین ایدئولوژی‌های مخالف و مختلف اعم از قدیم و جدید به راه انداخته بود. فحوای بسیاری از اندیشه‌های مربوط به مشروطیت، مبنای اجماع دینی-سیاسی و نیز هماهنگی فرهنگی نظام سستی را به معارضه خوانده بود، و لذا شکاف و شقاقی در میان نخبگان پدید آورده بود. (عنایت، ۱۳۸۹: ۲۸۷)

در میان علمای دینی که نقشی تاثیر گزار در جریان نهضت مشروطیت ایران داشتند، آیت‌الله سید عبدالحسین لاری به‌عنوان موثرترین و متنفذترین عالم دینی در جنوب ایران در جریان مبارزات مشروطه خواهی مطرح است. ایشان از همان ابتدای نهضت مشروطیت با انتشار رساله‌ای به نام قانون مشروطه مشروعه به دفاع از حکومت مشروطه مبتنی بر قوانین اسلامی پرداخت.

سید لاری چندی بعد با انتشار رساله دوم به نام قانون در اتحاد دولت و ملت، نظر و دیدگاه خود در باب مشروطه مشروعه را بیان کرد. ایشان این رساله را چند ماه قبل از آغاز استبداد صغیر تالیف کرده و در محرم الحرام سال ۱۳۲۶ چاپ نموده است. (زرگری نژاد، ۱۳۷۴: ۴۰۱)

در این مقال تلاش داریم بعد از بیان مختصری از زندگینامه سید، به بررسی و بیان اصول اساسی مطرح شده در دو رساله فوق‌الذکر در باب جریان مشروطیت و تحلیل دیدگاه سید لاری در باب حکومت مشروطه مشروعه بپردازیم.

۲. حیات سیاسی - اجتماعی

۱.۲ ولادت و نسب

مرحوم حاج سید عبدالحسین موسوی لاری از مراجع مجاهد شیعه و از سیاست‌مداران پرهیزکار اسلام در قرن اخیر است. وی شب جمعه، سوم صفر سال ۱۲۶۴ (۱۸ اسفند ۱۲۲۶ش/

۹ مارس ۱۸۴۸م) در خانواده ای روحانی در شهر نجف اشرف دیده به جهان گشود. (رنجبر، ۱۳۸۷: ۱) تولد او همزمان با حکومت دفتحعلی شاه قاجار بود. سید لاری پسر سید عبدالله پسر سید عبدالرحیم بود. سید عبدالله اصالتاً دزفولی بوده است. نسب مرحوم سید، به عارف نامی «رکن الدین دزفولی» که مرقدش در شهر دزفول قرار دارد، می رسد. او از این طریق، به حضرت امام زاده حمزه علیه السلام (مدفون در شهر ری) فرزند بزرگوار امام موسی کاظم علیه السلام نسب می برد. (مهاجری ۱۴۱۸ق: ۲۰۸)

۲.۲ تحصیلات، استادان و مراتب علمی

سید عبدالحسین از هفت سالگی، تحصیلات ابتدایی خود را در مکتب آغاز کرد و مراحل دروس مکتب خانه مرسوم آن روز را به خوبی پشت سر گذاشت؛ سپس مشغول فراگیری علوم حوزوی و اسلامی شد. وی در اثر کوشش خستگی ناپذیر و تهذیب اخلاق و تزکیه نفس در بیست و دو سالگی، به درجه اجتهاد نایل آمد. (همان، ۲۰۹)

مرحوم سید لاری در دوران تحصیلات عالی خود به استفاده از محضر پنج تن از عالمان و استادان بزرگ حوزه نجف به نام های فاضل ایروانی (م ۱۳۰۶ ق / ۱۲۶۷ ش)، شیخ محمدحسین کاظمی (م ۱۳۰۸ ق / ۱۲۶۹ ش)، شیخ لطف الله مازندرانی (م ۱۳۱۱ ق / ۱۲۷۲ ش)، ملا حسینقلی همدانی (م ۱۳۱۱ ق / ۱۲۷۲ ق) و سید محمدحسین حسینی شیرازی معروف به «میرزای شیرازی» (م ۱۳۱۲ ق / ۱۲۷۳ ش) موفق شد. وی تا زمانی که مرحوم میرزای شیرازی در نجف اقامت داشت، از محضر وی بهره برد و پس از مهاجرت میرزا به شهر سامراء، سید در جلسه درس چهار استاد دیگر شرکت می کرد.

سید لاری با گذراندن مراحل تحصیل و مدارج علمی به رتبه بلندی از دانش و معرفت دست یافت تا آن جا که در بیست و دو سالگی مجتهد مسلم شد و از میرزای شیرازی، شیخ لطف الله مازندرانی و فاضل ایروانی اجازه اجتهاد گرفت. (همان، ۲۱۰-۲۱۲)

۳.۲ انگیزه هجرت به ایران و منزلت سیاسی او میان مردم

با توجه به ظلم و اختناق که در عهد قاجار بر جامعه ایران و به ویژه بر مردم خطه لار حاکم بود، مردم این منطقه با ارسال نامه ها، طومارها و هیات هایی، از زعیم شیعه، مرحوم میرزای شیرازی در خواست مجتهد مبارز و شجاعی کردند تا ضمن جلوگیری از ستم و تجاوز حاکمان

دیدگاه آیت‌الله سیدعبدالحسین لاری ... (سیدرضا حسینی و محمدرضا طاهریان) ۱۸۷

قاجار، به امور دینی و مذهبی مردم نیز رسیدگی کند. حاج علی لاری، معروف به حاج علی کبیر که در دوره اول مجلس شورای ملی به نمایندگی انتخاب شد و بعد هم به وسیله عمال ستمگر منطقه لار شهید و به حاج علی شهید معروف شد، در معیت عده ای از سران لار به عراق رفتند و در سامراء خدمت میرزای شیرازی رسیدند و تقاضای خویش را با آن مرحوم در میان گذاشتند. آیت الله شیرازی در پاسخ فرمود:

حال حاضر، چنین کسی را در نظر ندارم. مهلت دهید تا در این باب تدبیری کنم و شخص برازنده ای را برای شما اختیار کنم. (رکن‌زاده، ۱۳۳۹: ۵۷۹)

سپس حاج علی با همراهان عازم نجف اشرف می شوند و در آن جا در پی هدف خویش به جست و جو می پردازند تا این که روزی مرحوم سید مرتضی کشمیری را ملاقات، و از وی درخواست هجرت به لار می کنند؛ ولی وی نمی پذیرد و سید عبدالحسین را برای این امر لایق تر می داند. مرحوم حاج علی و همراهان نزد سید عبدالحسین رفته، از وی این را تقاضا می کنند. مرحوم سید که در آن ایام ۴۵ سال داشت و دارای کرسی استادی و مشغول به تالیف و تصنیف بود به جهت این مسؤولیت ها ابتدا از پذیرش این درخواست سر باز زد؛ اما مرحوم حاج علی با اصرار و مسافرت به سامرا و بیان ماجرا خدمت میرزای شیرازی از وی استدعا می کند که از سید عبدالحسین بخواهد تا به دعوت آنان پاسخ مثبت دهد. مرحوم میرزا با سوابقی که از موقعیت استراتژیک منطقه حساس جنوب در برابر بیگانگان به ویژه انگلیس دارد، به سید امر می کند تا به لار برود. مرحوم سید چون فرمان استاد را واجب الاطاعه می داند، عازم ایران میشود (رکن‌زاده، ۱۳۵۷: ۵۷۸) و در پاسخ نامه اهالی فارس که درخواست عزیمت وی را به آن منطقه می کنند، چنین می نویسد:

اغاثة مستغنین و اجابت دعوت مؤمنین، جهاد اکبر فی سبیل الله و فرض ذمه اسلامیه است (آیت الهی، ۱۳۶۳: ۲۹). میرزای شیرازی هنگام عزیمت سید لاری به ایران، حاج علی شهید و همراهانش را مخاطب قرار داده و می فرماید:

با بردن آقا سید حسین به لارستان، نجف را به آن جا برده اید و گهواره فضیلت و دانش را از فرزند فضیلت و علم، خالی گذارده اید. (همان، ۱۳۶۳: ۳۰)

اگرچه پس از غلبه آیت الله وحید بهبهانی بر جریان اخباری حضور و تاثیرگذاری این جریان بر تحولات سیاسی اجتماعی ایران کم رنگ شد اما علمای اخباری همچنان در صحنه فکر و دانش فعالیت می کردند و گاه با علمای اصولی رودرو می شدند. مولافلی اخباری جراحی یکی از علمای اخباری است که رساله خطی از وی برجای مانده که متعلق به سال‌های

پیش از مشروطه است. در این رساله که حدود ۱۰ سال پیش از نهضت نوشته شده و سوال‌ها و پاسخ‌های سید در آن درج گردیده، سید عبدالحسین لاری چنین معرفی شده است: «عمده اصولیین و فخر مجتهدین» (آبادیان، ۱۳۷۴: ۱۱۱) مولا قلی صریحا از نفوذ سید لاری در بین مردم سخن به میان آورده و نقل می‌کند که مردم او را «واجب الاطاعه می‌دانند و پیشوا و حجه الاسلام می‌خوانند و او را حاکم و صاحب اختیار می‌دانند، بلکه اولی به تصرف از جان و مال می‌دانند...» و آن‌گاه هشدار می‌دهد که «عن قریب است که اگر این سید در لار بماند ... باعث خونریزی بسیاری خواهد شد...» و سپس می‌گوید که سید اسبابی فراهم آورده ((که اگر مانع پیدا نشود، ظهور خروج کند...)) (آبادیان، ۱۳۷۴: ۱۱۱)

این مطالب پنج سال پس از ورود سید به لار نوشته شده است و حکایت از آن دارد که اولاً، وی در بین مردم نفوذ کلام داشته و ثانياً مایه‌هایی از خیزش علیه حکام دولتی را در خود داشته است. این امر در نهضت مشروطه محقق گردید و سید رهبری مردم را در پیام علیه مأمورین استبداد در جنوب به عهده گرفت و انجمنها تشکیل داد و نهایتاً به مبارزه مسلحانه روی آورد و در مبارزات خویش از مشروطه خواهان حمایت کرد. (همان، ۱۳۷۴: ۱۱۱)

۳. رسائل سید عبدالحسین موسوی لاری درباره مشروطیت

رساله *قانون مشروطه مشروعه*، اثر مرحوم حاج سید عبدالحسین موسوی لاری دزفولی الاصل، یکی از رسائلی است که در دفاع از مشروطیت تالیف شده است. متأسفانه زمان تالیف رساله، دقیقاً معلوم نیست. فقط همین اندازه می‌دانیم که قانون مشروطه ی مشروعه، در سال ۱۳۲۵ در مطبعه محمدی شیراز طبع شده است. با عنایت به همین تاریخ می‌توانیم بگوییم که رساله مورد بحث از جمله رسائلی است که قبل از انحلال مجلس و تعطیل مشروطیت نوشته شده است. به همین دلیل نیز در لابلای مباحث آن توجهی به انتقادات مطروحه از سوی رسائل مشروعه خواهان که عمدتاً پس از استبداد صغیر تالیف شده اند، موجود نیست. علی‌رغم اینکه رساله مشروطه مشروعه، به دلیل دفاع از کلیت مشروطیت، در شمار رسائل مدافع مشروطه محسوب می‌شود، اما مشخصات و ویژگی‌هایی که مرحوم لاری برای مشروطیت مشروع و مورد تایید خویش می‌شمارد، این رساله را از بنیاد با دیگر رسائلی که در دفاع از مشروطیت نوشته اند، متفاوت می‌سازد. سیری در اهمّ مباحث این رساله، این معنی را بیشتر روشن می‌کند. (زرگری نژاد، ۱۳۷۴: ۳۶۵)

بنابر نوشته کتاب ولایت فقیه زیربنای فکری مشروطه مشروعه،

دیدگاه آیت‌الله سیدعبدالحسین لاری ... (سیدرضا حسینی و محمدرضا طاهریان) ۱۸۹

سید عبدالحسین، در این کتاب به لزوم حکومت قانون منطبق بر شریعت مقدس اسلامی تاکید و اصرار دارد و دیدگاه‌های خود را در استقرار چنین حکومتی، که نقش عمده و اساسی امت اسلامی در اداره آن کاملاً مطرح است، بیان می‌دارد. (آیت الهی، ۱۳۶۳: ۱۱۷)

نویسنده قانون مشروطه مشروعه در قسمتی از کتابچه‌ی مزبور می‌نویسد:

هیچ اثر و آثار و قدرت و اقتداری اعم از برکت وجود و عقل و تصمیم و توالد و تناسل و هستی تا قدرت و عمر و عزت و دولت و حکومت دنیا و آخرت از ابتدا تا انتها و از علل محدثه تا علل مبقیه نبوده و نخواهد بود، مگر با لطف و عنایت خدای بزرگ و وجود واسطه‌ی فیضی که از ذات واجب الوجود سرچشمه می‌گیرد و معنی توحید کلی و نفی شرک آشکار و پنهان هم همین است. (لاری، ۱۳۲۵: ۳)

همه مفاسد دنیا و بی‌اعتدالی‌های جوامع و اختلال نظم و قانون در میان ملتها از زمان آدم تا خاتم الانبیاء و از صدر اسلام تا روز قیامت جز به واسطه مخالفت با حکم و شورای ملت نبوده و نخواهد بود. استیلای خارق‌العاده اعراب بر شرق و غرب پس از ظهور اسلام به واسطه باطن شریعت و مدد و امداد شورا و مشورت با والی ملت و امام امت بود. همچنانکه انقراض دولت و زوال اقتدار اسلامی بعد از آن روی نداد و روی نمی‌دهد، مگر از جفایی که امت در اخفا امامت و اطفاء نور هدایت می‌نماید. (آیت الهی، ۱۳۶۳: ۱۱۹)

قانون ملی پیش از هر چیز برای آن است که مظاهر تشبه به غریبان و شیاطین بیگانه را بزدايد و مردم را به زیور و زینت فرهنگ و شرافت اسلامی از هر جهت بیاراید و همه مظاهر این فرهنگ و شرافت اسلامی را از هر جهت بیاراید و همه مظاهر این فرهنگ را در صورت و سیرت و سیما و علائم و شعارها و نشانه‌ها و ضرب سکه و لباس‌ها تجلی بخشد و نقش اسلام را در همه جا ظاهر سازد... قانون ملی، برای مصلحت کلی جامعه اسلامی چنین اقتضا دارد که احکام قوانین کشور به زیور شرع انور اسلام آراسته گردند و بنا بر موازین شرعی برای اهل کتاب قانون ذمه وضع و اعمال شود. این مهم باید به نظر و صوابدید اهل ملت و شریعت که بر حکمت و مصلحت شرعی آگاه و آشنایند برسد و از نظر اجرا و اعمال آن طرفین قضیه را با دقت در نظر بگیرند، نه آنچنان باشد که کارگزاران بدرفتار و خیانت‌پیشه برخلاف شریعت حکم میکنند و مخالفت با مصلحت ملت و دولت اسلام گام بر می‌دارند و حکمت قوانین دینی را نادیده می‌گیرند به کار گمارده شوند. (همان، ۱۳۶۳: ۲۵)

۱.۳ اهمیت شورا و مجلس شورای ملی

کتابچه ی قانون مشروطه مشروعه بعد از ذکر مطالب کلی به مانند بسیاری دیگر از رسائل و کتاب‌های عصر مشروطیت به ذکر جزئیات و بحث در نهاد های جدید روز پرداخته و در مورد مجلس شورای ملی می‌نویسد:

به مژده و به شکرانه این نعمت بزرگ و محبت عظیمی که به ملت روی آورده تبریک و تهنیت گفته و به میمنت و مبارکی تشکیل مجلس، هزاران درود و سپاس را نثار و ایشار اقدامات اساسی و مهم مجلس ملی اسلامی می‌نمایم و حمایت بی دریغ خود را از هر جهت از مجلس اعلام میدارم. مجلسی که از انصار روح افزای امام والامقام علیه السلام است و بنابراین رسالت گسترش عدالت و اقتدار را بر دوش دارد و باید در ایجاد قسط در جامعه بکوشد و با قدرت در راه امام زمان عجل الله و احیای دین و ملت گام بردارد. (همان، ۱۳۶۳: ۳۵)

مرحوم لاری در اولین عباراتی که، قبل از بیان مقدمه رساله اش، درباره شورای ملی و اهمیت آن آورده است، می‌نویسد:

((شورای ملی و مصالح کلی و لقمانی در عهد همایونی فتوحات سلطانی از عالم پنهانی و عالم ربانی و معلم روحانی روح القدس آسمانی تجلی به آنان ظلمانی و ارکان این عبد فانی یافته.)) (لاری، ۱۳۲۵: ۱) و پس از این تحلیل از شالوده شورای ملی، در مقدمه سخن، صحت آراء و اتفاق نظر صوابدید شورا را با اشاره به آنچه در این باب در قانون اساسی آمده است، مشروط به صحت عقیده، عدم تظاہر اعضای شورا به فسق و فجور موقوف و مصروف بر حسن فطرت و رشاد و بصیرت و نیز اعتقاد و پای بندی به مضمون آیات زیر می‌داند:

- این را بدانید که پیروزی و نصرت جز از جانب خداوند نازل نمی‌شود- آل عمران ۱۲۶.
- شما نمی‌خواهید مگر آنکه خدا بخواهد، انسان ۳۰.
- هرگز مصیبتی بر ما وارد نمی‌شود، جز آن مصیبتی که خداوند بر پیشانی ما نوشته باشد- توبه ۵۱.
- به هیچ کس زیان و بلایی وارد نمی‌کردند، جز با رخصت خداوند جهان که مشیت او را به کار بندد، بقره ۱۰۱.
- چه کسی بهتر از خدا داوری خواهد کرد- مائده ۵۰.
- کیست که قول او از قول خدا صادق تر باشد. نساء ۱۲۲.

- کیست که بهتر از خدا تعمیم دهد. بقره ۱۳۸.

مرحوم لاری پس از آنکه شرط عضویت شورای ملی را داشتن خصایص شخصیتی فوق‌الذکر و باور به مضمون آیات بالا معرفی کند، می‌نویسد که بنابراین باید دانست که در دایره هستی هیچ اثر و آثاری، قدرت و اقتداری، هیچ والد و مولودی و خلاصه هیچ موجودی پا به عرصه هستی نخواهد گذاشت، مگر به افاضه و عنایت باری تعالی و فیاض واجب الوجود. از نظر لاری، معنای توحید کلی و نفی شرک جلی و خفی و اعتقاد به خلافت عامه و ریاست و سلطنت مطلقه و ولایت مطلقه همین است و جزاین نیست. (زرگری نژاد، ۱۳۷۴: ۳۶۶)

نویسنده پس از تکیه و تاکید به ضرورت باور بر این عقیده توحیدی، تصریح می‌کند که از نظر مذهب عدلیه یا شیعه، همه دلایل و براهین عقلی و نقلی محکومات کتاب خدا و نیز سنت پیامبر، حاکی از این هستند که افعال الهی و احکام خداوندی عبث و بیهوده نیست و هر کدام متوجه مقصود و غرض خاصی است. جبریه، صوفیه، بابیه و اشاعره که منکر حسن و قبح عقلی هستند، ظلم و عدول از عدالت را بر خداوند جایز شمرده و معتقدند که آنچه خدا انجام دهد، عدل است. به عقیده مرحوم لاری با عنایت به عقاید کلامی شیعه، که در بالا اشاره شد و از جمله آنها این بود که افعال خداوند ناظر به اغراض معین هستند و احکام الهی برای روشن کردن مصالح و مفاسد بندگان بیان شده‌اند، می‌توان نتیجه گرفت که:

- هیچ نظر و شورایی و هیچ تدبیر و آرائی، از هیچ عقل و عقلانی و هیچ ذی شعور و دانائی محل اعتبار نخواهد بود. مگر آنکه مستند به نظر و سخن انبیاء عظام، علماء اعلام و نواب حضرت خیر الانام و عقل عقیل مستقل امام و قواعد شرع اسلام است.

- انسان کامل ترین مخلوق الهی است، هم در کیفیت و هم در کمیت محاسن مختلف. مثل انسان، مانند مثل قرآن است که اگر انس و جن جمع شوند، مانند آن را نتوانند آورد. به همین گونه آفریدن موجودی چون انسان نیز از سوی غیر خدا ممکن نیست. حکمت خلقت انسان به گونه ای است که هرگاه عضوی از اعضای انسانی، وظیفه ای غیر از آنچه دارد و آنگونه که باید انجام دهد، مانند عقب عقب راه رفتن، باعث بروز خطر و قبح نظر و ضرر خواهد شد. وقتی انحراف از هر جزئی از تدابیر خداوند، موجب قبح نظر و نقصان و اختلال و نسیان میشود، چگونه میتوان گفت که با تدبیر سقیم و رای شیطان رجیم و تخلف از قرآن و شریعت اسلامی میتوان نظم هفت اقلیم را داد؟

- از روزگار حضرت آدم تا زمان پیامبری حضرت خاتم(ص) و از صدر اسلام تا روز قیامت، همه بی اعتدالی ها و اختلال نظم و زوال نعمت ها، به واسطه ی مخالفت حکم و شوراء ملت و کفران نعمت اسلام بوده است. چنانچه از صدر اسلام تا کنون، کسی به ریاست و نعمت سلطنت و خلافت نرسیده، مگر به واسطه ی مصاحبت یا مجاورت و سرایت متابعت و حمایت از صورت و سیرت اسلام. استیلاء خارق العاده بر مشرق و مغرب زمین به دلیل همین تمسک و توسل و اتکای آنان به اسلام و مشورت با والی ملت و امام امت بود. انقراض دولت و زوال سلطنت اسلام نیز از زمانی آغاز شد که مسلمین با جفا امام را مجبور به غیبت کردند و باعث اطفاء نور هدایت به دلیل طولانی کردن هجرت و غیبت حضرت حجت و بی بهره شدن از شوراء و مشورت با امام شدند.
- دوام سلطنت صفویه از برکات پیوند آنان با علماء دین و ترویج مذهب امامیه بود. این دولت مادام که به اعمال سوء روی نیاورده بود، در نهایت اقتدار قرار داشت. ولی وقتی تغییر حال داد و به اعمال سوء روی آورد، تحت تسلط افغانه ی گمراه قرار گرفت. علت تسلط روسها بر ایران نیز، به دلیل مخالفت با آیت الله سید محمد مجاهد و رفتار کوفیانه با ایشان بود. منشاء دوام سلطنت ناصرالدین شاه نیز حسن عقیده او به اهل شریعت و نشر عدالت؛ خصوصاً در اوایل سلطنتش بود که در تمام مملکت به قلع و قمع بایبه و دفع شیخیه و لغو رژی مبادرت کرد. سلطنت هندوستان و حیشه نیز با آن قدمت و اقتدار، دچار ضعف و شکست نشد، مگر بواسطه مداخله کفار و کنار گذاشتن دین. به عکس، افغانه کابل و قندهار به دلیل پرهیز از مداخله دادن کفار در کشور خود، تاکنون زیر بار ننگ تسلط بیگانه نرفته اند.
- دولت فرانسه که دولتی نیرومند بود، پس از آنکه به وضع قانون مزخرف فنون پرداخت، منکوب و اسیر شد. سلطان عبدالعزیز پادشاه عثمانی نیز چون به اجرای همان قانون فنون پرداخت، از روسها شکست خورد. ولی سلطان عبدالحمید به واسطه رای سدید و تلافی شدید اکید در حمایت اسلام و علماء اعلام، با کمال اقتدار و فتوحات بسیار تدارک و انحاء و کسر و انکسار نموده.
- غلبه ژاپن بر روسیه، بر خوارق عادی، در این ازمنه حالیه نیز ناشی از باطن شریعت و بواسطه استجابیت دعا یکی از خدام علماء بود. چنانچه سبب حدوث طاعون و وبا و نزول سختی و آفت و بلا در میان دشمنان کافر، که از ده سال قبل تا به این زمان حادث شده، به دلیل نفرین یکی از خدام اهل دین بود. (همان، ۱۳۷۴: ۳۶۷)

مرحوم لاری پس از بیان سخنان بالا، و تصریح به اینکه همه وقایع و اتفاقات بی واسطه و با واسطه از خداوند عالم نشأت می‌گیرد و هیچ فعلی و عملی خارج از دایره اراده الهی نیست، تأکید می‌کند که باید سایر احوال مردم را نیز بر همین مبنا قیاس کرد. مجموعه تأکیدات نویسنده رساله‌ی مشروطه مشروعه، بر این مبنای مذهبی، بدون تردید پای بندی و شدت حساسیت او را به تنظیم همه امور، از جمله ارکان مشروطیت، بر شالوده‌های الهی و مذهبی شیعه نشان می‌دهد. این همه تأکید بر ضرورت تنظیم همه امور فردی، اجتماعی و سیاسی را بر پایه‌های شریعت اسلامی در رسائل دیگر این دوران بسیار کمتر می‌بینیم.

۲.۳ بیان یک شبهه و پاسخ آن

مرحوم لاری، به خوبی متوجه است که، ممکن است برخی این شبهه را مطرح نمایند که اگر هیچ رشد و تعالی و ترقی و استقامت بدون یاری الهی و برخورداری از ظاهر و باطن شریعت میسر نیست، پس دوام و استقامت قدرتهای باطل و فرقه‌های گمراه را چگونه باید تفسیر کرد؟ پاسخ لاری به این شبهه حاوی دو قسمت است. او در باب اصل شبهه و پاسخهای آن چنین نوشته است:

اگر بگوئی مشهود و معهود است استقامت سلطنت دول و نحل باطله، مخالفت تمام اهل شرع و ملل بدون ملل و علل، بلافتور و زلل و بلا اختلال و خلل، پاسخ گویم که... اولاً: اجمالاً به اینکه شبهه مصادم ضرورت نمیشود قطعاً. چرا که حکمت حکیم جبار در رفع الجاء از فاعل مختار، مقتضی همین است که در مقابل هر عقلی، جهلی و هر ضرورتی، شبهه ای و هر حقی باطلی... [قرار دهد]....

و ثانیاً: نقضا به اینکه تمام فنون فساد و مفاسد و افساد و اذیت عباد و خرابی بلاد ناشی و منتهی به نفوس خبیثه شریره مرده ابالیس بنی جان است. و باوجود این استیلا و سلطنت ایشان از آدم تا آخر عالم بر تمام نفوس و اموال و ناموس امم بر وجه اتم و اعم و ادم و اقوم از سلاطین عالم بجزی فیهم مجری اللدم فی العروق اقتدار و انتمار از هر جهت. (زرگری نژاد، ۱۳۷۴: ۳۶۸)

مرحوم لاری، پس از دفع شبهه فوق الذکر از طریق پاسخهایی که فشرده آنها را آوردیم، به سراغ بحث دیگری می‌رود و در قالب مباحث عدیده و با عنوان و سرسخن قانون ملی، انتظارات خود را از مجلس شورای ملی و نظام مشروطیت بیان می‌دارد. به همین جهت می‌توان گفت که رساله مشروطه مشروعه، رساله‌ای است در دفاع از مشروطیت مورد نظر مرحوم لاری

و نه نظامی که در چهارچوب قانون اساسی و متمم آن تبلور یافته است. لاری در قالب این قسمت از رساله خویش، خصایصی را برای قانون ملی ووظایفی را برای نمایندگان مجلس و زمامداران حکومت مشروطه مطرح می کند که در صورت تحقق آنها، آن نظام مشروطه مشروعه خواهد بود. به درستی می دانیم که وقتی مرحوم لاری پس از مدتی با مصوبات مجلس روبه رو می شود و پی می برد که در لابلای آن مصوبات انتظارات او تحقق نیافته، در مقابل مشروطه و مجلس موضع منفی اتخاذ نمی کند. او حتی پس از مواجه شدن با استبداد صغیر، رساله دیگری تحت عنوان قانون در اتحاد دولت و ملت در دفاع از مشروطه موجود نیز نوشته و در قالب آن، به قول خودش، از «شعریات» مخالفان مشروطه انتقاد میکند. شاید اتخاذ این موضع همراهی او با نظام مشروطه موجود به این دلیل بوده است که وی، همچون سایر علمای طرفدار مشروطیت، دریافته است که آنچه او انتظار تحقق آن را دارد، زمینه های عینی تحقق را ندارد. شاید نیز لاری بر امکان تحقق مشروطه مشروعه، همچنان باور داشتی، ولی چون مشاهده می کند که مراجع دیگر و علمای طرفدار مشروطه، از همانچه تحقق یافته، یعنی مشروطه موجود، دفاع می کنند، خود را مکلف دیده است که راه خود را از مراجع و علما جدا نکند. در هر حال نیت، و انگیزه اصلی مرحوم لاری هرچه بوده، این نکته مسلم است که او تا آخر عمر از همان مشروطه موجود دفاع کرد و از این مدافعه روی برنتافت. اگرچه این مشروطیت، انتظارات او را برآورده نکرد و قوانین مورد نظر او را تصویب ننمود. (همان، ۱۳۷۴: ۳۶۹)

۳.۳ انتظارات از قانون ملی مشروطه

دیدیم که نخستین پایه مشروطه مشروعه لاری، شورایی مبتنی بر شریعت و برای اجرای احکام الهی است. در این تفکر مشروطه خواهی، باید همگی جدا بر این باور باشند که تمام اعمال بشری زائیده اراده ی الهی است و از دایره مقدرات باری تعالی خارج نیست. گفتیم که مرحوم لاری پس از آنکه هر نظر و شورایی را برای اعتبار و اعتناء، راجع یا مبتنی بر شورای انبیاء، علمای اعلام و نواب حضرت خیر الانام و عقل عقیل مستقل امام و الامقام و قوانین شریعت معرفی می کند، انتظارات خویش را از مشروطه در قالب توصیف قانون ملی بیان می کند. این انتظارات را، که می توان پایه های دیگری از مشروطه مشروعه نویسنده دانست، می توان به شرح زیر تلخیص و دسته بندی کرد:

دیدگاه آیت‌الله سید عبدالحسین لاری ... (سیدرضا حسینی و محمدرضا طاهریان) ۱۹۵

۱. قانون ملی باید ناظر به تحقق تبری از شوم مشئوم همراهی و مشابهت، همانندی، همگونی و پوشیدن لباس‌های غیر مسلمین باشد و کاری کند که مسلمین به لباس‌های اسلامی که سبب شرافت آنهاست و دارای شعائر و علائم اسلامی است، ملبّس شوند.
۲. قانون ملی باید در جهت از میان برداشتن بدعت تذکره مروری و قرنطینه عبوری عابری سبیل زوار و حاجیان بیت الله الحرام، وضع و تنظیم گردد، چراکه از زمان وضع بدعت تذکره ستمهای زیادی بر زائران خانه خدا رفته است، به خصوص کسانی که توانایی پرداخت پول تذکره و قرنطینه را نداشته اند، بیشتر مورد ستم قرار گرفته و در حرم امن خدا به محبس انفرادی افتاده اند.
۳. قانون ملی باید در جهت کوتاه کردن دست اطبای خبیث خارجی وضع شود.
۴. قانون ملی باید به اجرای احکام الهی درباره اهل ذمه و کفار اهل کتاب پرداخته و مقررات شرعی را در این باره کما و کیفاً به مرحله اجرا گذارد.
۵. قانون ملی باید ناظر به پرهیز از استفاده از البسه بیگانگان و تشبّه به مجوس باشد و مسلمانان را به پوشیدن البسه اسلامی تحریص نماید.
۶. قانون ملی باید سنت شوم ابالسه ی کفار را در زدن طبل و ناقوس و انداختن توپ، که از ملاهی منکره ابالسه است، براندازد و در عوض مسلمانان را به رفعت اذان و تعظیم شعائر الهی وادارد.
۷. قانون ملی باید عمّال و ضابطه های حکومتی را به عدالت و اجرای اصول شرع وادارد و اجحاف و گرفتن قَلَق، جریمه و سرانه، تذکره و قرنطینه را به هراسم و عنوان براندازد.
۸. قانون ملی باید مردم مسلمان را از تفرقه و پراکندگی دور بدارد و همه مسلمین را اعم از مرد و زن، پیر و جوان و شیعه و سنی درصفت واحد جهاد درمقابل دشمنان خارجی متشکل نموده و آماده جهاد کند. باید دانست که پایه و اساس اسلام به جهاد وابسته است. فتوحات تمام دوره های اسلامی از همین جهاد حاصل شده است و اقتدار تمام دولت‌ها از جهاد حاصل شده است. چنانچه اقتدار کنونی سلطان عبدالحمیدخان عثمانی به سه طایفه متکی است که عبارتند از: جندیّه، ملکیه و عدلیّه. این سه طایفه به هیچ وجه به حوزه وظایف هم تجاوز نمی کنند.

۹. قانون ملی، باید ناظر به چشم پوشی از خصوص مالیات قصابی به ضمیمه اضافات فروع زاید بر اصل باشد، چه این مالیات و اضافات آن موجب زیان کلی قصاب و موجب مفسده او می شود.

۱۰. قانون ملی باید در جهت قطع ید فساد و مفسده کفار خارجه از همه امور، خصوصاً اختیار گمرکات اقدام کند. قرار داشتن اختیار گمرکات اقدام کند. قرار داشتن اختیار گمرکات در دست خارجیان موجب ورشکستگی تجار و فرار آنان به دیار کفار گشته است.

۱۱. قانون ملی، باید به حسب تکلیف شرعی و ملی اسلامی، موجب عهد و میثاق و اتحاد بین هر دو دولت اسلام (ایران و عثمانی) و منشأ تقویت و عقد اخوت گردد. دو دولت باید عقود اکیده و شدیده براین موذت و اتحاد جاری کنند. لازم است این اتحاد کلی و و داد نوعی، رفع مابه الانفراد جزئی است از اسباب مفسده خلف از جمله مواد اتحاد باید رفع تفتیش و تفحص در گمرکات و بندرات از کتب علمیه می باشد. دو دولت نباید به کتب فرقه‌های اسلامی سخت‌گیری کنند. آنان وظیفه دارند به اصلاح میان مسلمین پردازند.

۱۲. قانون ملی باید در جهت بطلان هر فعل و عملی که از روی، سهو و نسیان، خطا و اغراء و نادانی انجام گیرد،

اقدام کند، زیرا خطا و اغراء در حق خود خطاکار بی مبنا و بی بنیاد است، تا چه رسد در حق دیگر مسلمانان خصوصاً سلطان، آن افعال از هر کس، حتی اگر از امین‌السلطان هم صادر شود، باید باطل گردد. بنابراین هر قرارداد و معامله و معاهده که بر آن بنیادها بسته شود، باطل و عاطل است و غیر مقبول. از جمله این افعال باطل، واگذاری بندر عدن به خارجه و تمکین خارجه از مملکت مصر و رود نیل است.

۱۳. قانون ملی با حکم جبلی و لطف خفی خداوند و توسل به باطن شریعت و اشاره حضرت حجت به دلیل آنکه بر آن حضرت لطف تقریب به قدرت و دور شدن از معصیت و اظهار قدرت و اتمام حجت واجب است، با نصب قانون شورا و مشورت و مشروطه مشروعه، به گونه ای که خرق عادت و اظهار کرامت بود ریشه‌ی استبداد را به قدرت کامله الهی و حجت بالغه از بیخ و بن برکند. مردم باید به شکرانه این لطف الهی و موهبت کبری با طوع و رغبت، با جان و مال، نه با حرف بدون عمل، به تایید انجمن

دیدگاه آیت‌الله سیدعبدالحسین لاری ... (سیدرضا حسینی و محمدرضا طاهریان) ۱۹۷

ملی محترم اسلام پردازند. انجمنی که در قرآن و حدیث از مانند آن حمایت شده است. نصوص صحیحه و صریحه (که مولف در متن آن را نقل می کند) بر فوائد کلیه و مصالح نوعیه ای که ناشی و منتهی به حضرت حجت و صاحب شریعت است دلالت دارند؛ از جمله آنها، اقامه این انجمن و دخول در این چمن گلشن است. اهل این انجمن به دلیل قیام و اقدام به مصالح امام و لوازم اسلام و تحصیل خشنودی امام و الامقام افضل مهاجرین و انصار و افضل حواریین، اشراقین، و مشائیین و مرابطین در حفظ ثغور اسلام در بسط عدل و قوانین شرع و حاملین تابوت و سکینه و بقیه ما ترک آل موسی و ليله‌القدر و نزول ملائکه و روح... هستند. اهل انجمن همچین لسان صدق و نطق گویان امام زمان و کاشف قطعی از حکم شرعی و مستلزم عادی از حکم واقعی و از رأی رضاء معصوم می باشند.

مخالفت مخالفان با رأی صوابدید اهل ملت، محکوم به حکم قول به فصل و خرق اجماع امت است و اجتهاد در مقابل نص شمرده میشود و عاقل و باطل محسوب می شود. استعفاء و تخلف و عذر و معذرت از خدمت و اطاعت انجمن بدون عذر شرعی، محکوم به حکم فرار از یورش به دشمن و عدول از جهاد است. (زرگری نژاد، ۱۳۷۴: ۳۶۹)

۱.۳.۳ شروط قابلیت برای نمایندگی مجلس

تمام این مراتب لیاقت و قابلیت که برای اعضای مجلس و انجمن شمردیم، مشروط و منوط به اجتماع شروط قابلیت و تحصیل لیاقت و جامعیت و دیانت و کفایت و حسن فطرت و عدالت و محاسن اخلاق سیرت و صورت است. شرط اول تبری از لوث سرایت بدی اغیار و قبیح مجالست و مجاورت اشرار و کفار مستبد و مفسد است که چون شیطان خود را داخل انجمن می کنند. باید این شیطان را از ورود به انجمن ها مانع شد. شرط دوم تحلی و تجلی اهل انجمن اقدس است به انوار و آثار وقار و محاسن سیرت و صورت اسلام خصوصا عدالت و التزام به محکومات قرآن و اعتقاد به بهشت و عمل به ارکان است.

شرط سوم اینکه باید دخول در کعبه انجمن به قصد خلوص محرم به احرام مخصوص و به اندیشه خدمت خالصانه در خدمت به مردم و بایپیراستگی از پلیدی های ظاهری و باطنی باشد. کسانی که وارد انجمن می شوند، باید در طلب علایق شخصی و نفسانی نبوده و در طلب کمال، مجاهده و جهاد و استمداد از خداوند باشند و آن را کعبه خدمت به مردم انگارند. چنانکه

خداوند در باب ورود به خانه خدا فرموده است: ((ادخلوها بسلام آمنین)) و در باب ورود به خانه پیامبر خدا گفته است که: ((ياايها الذين آمنوا لاتدخلوا بيوت النبي أأ ان يوذن لكم)) مراد از خانه، خانه اسلام و دیانت است، نه خانه های سنگی و گلی. کسب اذن باید بنا به سیره و روش مجاهدین باشد که به هنگام جهاد با کافران از پیامبر اجازه گرفتند. در این زمان نیز باتوجه غیبت امام زمان، بنا به ظاهر اخبار، مردم باید در حلال و حرام، همچنانکه سیره روات در کسب اجازه در روایت کردن احادیث است، از نواب عام اجازه بگیرند.

۱۴. قانون ملی باید هر سال برای هریک از عمال اعلانی صادر کند مبنی بر اینکه به موجب فرمان انجمن محترم ملی و فرامین موکده مسابقه دولتی، مالیات راهداری، قصابی، خبازی و سرانه، به هراسم و رسم که باشد، از مسلمین گرفته نشود و این مالیات از اقبیح قبایح و افحش فواحش و هتک اسلام شمرده شود و گیرنده و مباشر آن و حلال شمارنده آن خارج از ربقه ی اسلام تلقی گردد و تحت سیاست و حدود شرعیه قرار گیرد.

۱۵. قانون ملی باید موجب الزام و التزام تمام مردم، خصوصاً عمال و ضابطین و حکام، به حدود شرعیه و سیاست ملیه گردد و انجمن محترم این امور را تحت نظارت قرار دهد.

مرحوم لاری با بیان چهاردهمین انتظار خویش از مجلس و اعضای انجمن ها، رساله خویش را خاتمه می دهد. چنانکه دیدیم لاری در سراسر رساله خویش، بر ضرورت پایبندی مجلس و مشروطه طلبان بر حدود شرعیه و استعانت از علماء و مراجع و فقها تاکید می کند. این جنبه از تأکیدات او شاید مطلوب طبع مشروعه خواهان بود، ولی قطعاً نه ایشان و نه هیچ مسلمانی نمی تواند توصیفات او را در باب حرمت و قدر و منزلت مجلس بپذیرد؛ توصیفات که در قالب آن مقام قدسی مجلس و انجمن تا حد خانه کعبه بالا می رود. درست است که مرحوم لاری این تقدس را مشروط به اجرای احکام اسلام به مجلس می دهد، اما به هر حال قدامت کعبه کجا و حرمت مجلس کجا؟ شاید وقتی همین ستایش های اغراق آمیز لاری و امثال او به گوش مشروعه خواهان رسید، آنان نتوانستند، این ستایش ها را معقول و مشروع تلقی کنند و لاجرم آنها را به شدت مورد انتقاد قرار دادند. (زرگری نژاد، ۱۳۷۴: ۳۷۲)

۴. رساله قانون در اتحاد دولت و ملت

رساله (قانون در اتحاد دولت و ملت)، رساله دیگری است از مرحوم سید عبدالحسین لاری، که وی آن را چند ماه قبل از آغاز استبداد صغیر تألیف کرده و در محرم الحرام سال ۱۳۲۶ چاپ نموده است. قانون در اتحاد دولت و ملت، همانند رساله مشروطه مشروعه، در حمایت و دفاع از مشروطیت و با همان نثر مکلف و کاملاً غیر متعارف، نوشته شده است. قالب و شالوده‌های کلی دفاع لاری از مشروطیت در این رساله نیز همان شالوده‌های رساله مشروطه مشروعه است. او آنچه را در این رساله بررسی کرده است، انتظارات خودش از مشروطه است، نه مشروطیت موجود: بنابراین در باب این رساله هم باید همان سخنی را گفت که در باب رساله قبلی او گفتیم و آن اینکه دفاع لاری با سبک و سیاق و دلایل علمائی که در حمایت مشروطیت رساله نوشته اند، تفاوت دارد: اما او که قطعاً به تفاوت تلقی خود از مشروطیت با سایر علماء آگاه است، همواره از مشروطه موجود حمایت می‌کند و به سختی بر مشروطه خواهانی که میگفتند: (ما دین نبی خواهیم، مشروطه نمی‌خواهیم) می‌تازد. (زرگری‌نژاد، ۱۳۷۴: ۴۰۱)

۱.۴ شروط مشروطه مشروعه مجلس ملی اسلام

مرحوم لاری پس از آنکه در همان آغاز رساله، ابطال مشروطیت موجود را توسط مشروعه خواهان مورد انتقاد و سرزنش قرار می‌دهد و در قالب ارائه آیه ۱۲۱ سوره انعام، سخنان مشروعه خواهان را وحی شیاطین به ایشان می‌خواند، به توصیف و بیان شروط مشروطه مشروعه مجلس ملی اسلام پرداخته و می‌نویسد که بسط بساط این عدل و اعتدال در ضمن چند فصل ذکر می‌شود:

در فصل اول، مرحوم لاری، تعداد لازم برای صحت انعقاد مجلس را، همان تعداد لازم برای حیات امورحسبیه می‌داند. حداقل این تعداد، یک نفر و حداکثرش متکی به اندازه کفایت برای آن حیات است. لاری به دنبال این سخن، سرانجام با استناد به معمول زمان و مکان، تعداد دوازده نفر را دلیل آنکه آن تعداد عدد میمون است، مناسب تر می‌داند.

مرحوم لاری در فصل دوم شروط عضویت در مجلس را شروط اربعه تکلیف، یعنی کمال عقل، بلوغ، علم و قدرت معرفی می‌کند.

۲.۴ جایگاه ریاست مجلس در اندیشه سید لاری

فصل سوم، در بیان احکام تکلیفه است که عبارت از حفظ محاسن صورت و مکارم سیرت و تولا و تبرا از اشرار و کفار. لاری در ادامه همین سخن، و در همین فصل تاکید می کند که شروط کمال و تکمیل مجلس این است که اقلا و اولاً، شخص اول مجلس فقیه عادل و جامع شرایط باشد و بدل و قائم مقام وی نیز از عدول مومنین تعیین گردد.

این سخن و شرط لاری، یکی از مصادیق همان سخنی است که گفتیم مبانی مشروعیت و خصایص آن در نظر مرحوم لاری، با مشروطه در اندیشه سایر علماء مدافع این نظام متفاوت است.

اگر شرط صحت انعقاد مجلس تعداد کافی افراد باشد، شروط کمال آن چیزهای دیگر هستند. از دید سید زمانی مجلس مشروعیت دارد و به اصطلاح به کمال خود می رسد که رئیس آن «فقیه عادل جامع شرایط باشد» و پس از آن «عدول مومنین» در طیف اعضای مجلس جای می گیرد و به دنبال سایر مسلمین، کلیه اصناف یاد شده، «در تکلیف به امور حسبیه و واجبات کفائیه..» مشترک اند؛ (همان، ۱۳۲۶: ۵) یعنی اقامه وظایف از طرف تک تک اعضا داخل در مقوله واجب کفایی است و دایره وظایف هم در همین حد است و گرنه در واجبات عینی کلیه مردم مکلف و موظف هستند که به تکالیف و وظایف خود عمل کنند، اما در امور حسبیه و واجبات کفایی با وجود نمایندگان، تکلیف از مردم ساقط است.

از دیدگاه سید حکم رئیس مجلس که فقیه عادل است، نافذ بوده و اجرای آن مطاع است و حدود اختیارات او دو قلمرو را در برمیگیرد: اول «اقامه حدود شرعیه و مجازات الهیه و حکم به جمعه و جهاد و حکم به قضاء و افتاء» و دیگر «ترجیح و تعیین احکام کلیه و مصالح نوعیه و عزل و نصب و تعزیر و تحدید و تغییر و تبدیل...» و چنین حاکمی «حق بر تمام انام دارد و مقدم و نافذ الحکم است و کسی را حق مخالفت و معارضه در آن نیست شرعاً» و در مورد وظایف مردم می گوید:

«وظیفه عدول مومنین و سایر مسلمین در کلیه امور حسبیه در صورت اذن و رخصت با عدم حضور حاکم شرع است به این معنی که در طول حاکم هستند نه در عرض آن...» (لاری، ۱۳۲۶: ۸)، یعنی اینکه عامه مردم حق دخالت در امور حسبیه ندارند و پر واضح است که از دیدگاه سید لاری، امور حسبیه نه تنها حوزه هایی مثل نظارت بر املاک مجهول المالک، سرپرستی ایتام و موقوفات و امثالهم را در بر می گیرد، بلکه حکومت هم در زمره امور حسبیه است. از نظر سید دخالت در کلیه امور فوق الذکر حق مجتهد و حاکم شرع است. گذشته از

دیدگاه آیت‌الله سیدعبدالحسین لاری ... (سیدرضا حسینی و محمدرضا طاهریان) ۲۰۱

ولایت در اجرای حدود شرعی و احکام دینی که حق مسلم حاکم شرع عادل است، وی که ریاست مجلس شورا را بر عهده دارد، به علاوه

ترجیح کلیه اراء و شورا و تعیین اسم و رسم و لقب و منصب و ناظر و قیام و وکیل و امین و کاتب و منشی و معین و ناظم و خازن و ولی و والی و متولی و تعیین مراتب هر کس از حیث جرح و تعدیل و اصیل و وکیل و تبجیل و تجلیل و تصدیق و تکذیب و تغییر و تبدیل و توقیت و توصیف از هر جهت

را در حوزه اختیار خود دارد و هیچ کس حق مخالفت با او ندارد،

مگر اینکه عدول مومنین مسلم العداله اثبات فسق و خیانت او را نمایند و عزل و انعزال او را بنمایند. در این صورت از درجه اعتبار ساقط است شرعا و داخل در من لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الکافرون و اولئک اضر شیعتنا من جیش یزید بن معاویه علی الحسین علیه السلام (است). (لاری، ۱۳۲۶: ۱۱)

بجز حکم شرع، کسی را حق تاسیس مجلس نیست و حق تعیین و انتخاب هم بر عهده مردم نیست و این کار در صورتی ممکن و میسر است که «حاکم شرع مسلم العداله» اجازه دهد و البته حاکم شرع هم باید از مشروطه خواهان باشد و نه مستبدین. (لاری، ۱۳۲۶: ۱۲)

در رساله مشروطه مشروعه که پیش از این در سال ۱۳۲۵ ق طبع شده بود، تئوری سیاسی سید لاری به خوبی تشریح و تبیین گشته است. در مورد شورا و مشورت صراحتا عنوان شده که

هیچ نظر و شورایی هیچ تدبیر و ارایی از هیچ عقل و عقلائی و هیچ ذی شعور و دانایی محل اعتبار و اعتنایی نبوده و نخواهد بود، مگر راجع به نظر صوابدید آراء و شورا انبیاء عظام و علماء اعلام و نواب حضرت خیرالانام و عقل عقیل مستقل امام والامقام و قواعد و قوانین شرع اسلام ... (لاری، ۱۳۲۵: ۱۰)

منظور سید لاری از مشورت و شورا، مشورت زمامداران سیاسی با علما بود و همین را سبب دوام دولت می دانست.

بنابراین رئیس مجلس ان گونه که سید لاری معرفی می کند، حکومت بلامنازع را در دست دارد و سلطان به فرض وجود هم، نقش مجری را عهده دار است و به خودی خود فاقد قدرت حکمرانی است. «به فرض وجود» را از ان جهت آوردیم که سید در فرازی از یکی از رسائلش سلطان عادل را فقط پیامبر و امام می دانست. (لاری، ۱۳۱۴: ۶۹) زیرا در چنین مجلسی احکام

شرع احیاء می‌گردد و کسی که امر خداوند را احیاء کند، در واقع تمام مردم را احیاء کرده است. (لاری، ۱۳۲۶: ۲۳)

می‌دانیم که هیچکدام از علمای دیگر، در رسائلی که نوشته‌اند، شرط ریاست مجلس را فقاهت رئیس آن ندانسته‌اند. اما می‌بینیم که مرحوم لاری بر این معنی تاکید دارد. او همچنین تاکید می‌کند که نمایندگی مجلس در شمار واجبات کفائی است و این مطلب نیز به این صراحت در رسائل دیگران نیامده است.

از جمله تاکیدات نویسنده در فصل سوم این است که برای شرط اکمال و تکمیل مجلس باید تشکیل آن در مناسب‌ترین و بهترین ایام یعنی صبحهای پنجشنبه و جمعه و در بهترین امکان، نظیر بقاع مشرفه، مساجد، مدارس و معابد باشد. به هنگام افتتاح نیز، باید مجلس با نام خدا، رسول اکرم و امام زمان افتتاح شود تا منظور نظر خدا و رسولش قرار گیرد.

فصل چهارم رساله حاضر، ناظر به بیان این معنی است که همانگونه که ولایت اجرای حدود شرعی و مجازاتهای الهی و احکام خداوندی حق انحصاری حاکم شرع است، حق تعیین اسم و رسم، لقب، منصب ناظر، قیم، وکیل، امین، کاتب، منشی، معین، ناظم، خازن، ولی، والی و متولی و تعیین مراتب هر کس از هر جهت، حتی بزرگداشت یا تکذیب و هر تغییر و تبدیلی، حق انحصاری حاکم شرع مسلم‌العداله اهل مجلس است. قبلاً در فصل سوم دیدیم که مرحوم لاری جایگاه این حاکم شرع را ریاست مجلس می‌داند. بنابراین می‌توان گفت که در مشروطیتی که لاری تصویر می‌کند، عملاً رئیس مجلس بزرگترین و منحصرترین مرجع سیاسی، اداری، قضایی و قانون‌گذاری است و دیگران تنها حکم مشاوران وی را دارند و لاغیر. متأسفانه، لاری مشخص نمی‌سازد که به این ترتیب جایگاه سلطان در نظام مشروطه کجاست و مشروطیتی که تمام قوای آن در یک جا تمرکز یافته، چه کسی یا چه نهادی را مشروط و مفید می‌سازد. برای اینکه میزان قدرت رئیس مجلس یا حاکم شرع حاضر در مجلس را در دیدگاه لاری بهتر بشناسیم، اجازه دهید تا بخشی از سخن او را در فصل چهارم مورد تامل قرار دهیم. می‌نویسد: (کسی را حق مخالفت، معارضه، رد ایراد، عقد مجلس ضرار در مقابل مجلس اختیار ... بر هیچ حقی نیست ... همچنین احدی حق شفاعت سیئه ندارد، از خائن و فاسق، مرتشی، مستبد، مفسده، همچنین حق تعطیل حدود شرعی و سیاسات الهیه کسی ندارد، مگر در صورت مانع با عذر شرعی و ایضا کسی حق عقد مجلس و نه حق تعیین، نه حق انتخاب، نه ابتدائاً، نه استدامه نیست، مگر به اذن و رخصت حاکم شرع مسلم‌العداله از مشروطه خواهان، نه مستبدین که در هر بلد به اغراض فاسد و اسام مشروطه

دیدگاه آیت‌الله سیدعبدالحسین لاری ... (سیدرضا حسینی و محمدرضا طاهریان) ۲۰۳

درمقابل مسجد و مجلس اسس علی التقوی تاسیس مسجد و مجلس ضرار ... نموده اند . چنین مستبدین محکوم به حکم مفسدین فی الارض و محاربین با مسلمین هستند از هر جهت (و من لم یحکم بما انزل الله فاولئك هم الکافرون). (زرگری نژاد، ۱۳۷۴: ۴۰۳)

۳.۴ منابع تأمین و موارد مصرف بیت‌المال

فصل پنجم رساله قانون در اتحاد ملت و دولت، باز هم ناظر به بیان وجهی دیگر از قلمرو قدرت و اختیارات رئیس مجلس یا به قول مرحوم لاری، حاکم شرع مسلم العداله مجلس است. این فصل از موارد مصرف و اختیار بیت المال مسلمین سخن می گوید و ضمن برشمردن موارد مصرف آن، از قبیل مصالح معاد و معاش مسلمین، احداث راه، کاروانسرا، مساجد، حمام مدرسه، ایجاد صنایع مورد نیاز، ابزار و آلات جنگی و دفاعی و غیره، اختیار مطلق مصرف آن را به همان ولی مسلمین یا حاکم مسلم العداله مجلس می سپارد. از نظر مرحوم لاری بخشی در منابع تأمین بیت المال مسلمین عبارتند از:

۱. ارث بدون وارث که متعلق به امام است:
۲. نذورات:
۳. اوقاف عامه بر وجوه بر و احسان:
۴. مطلق خیرات و مبرات که از جمله آنها سهم سبیل الله از سهام زکوه، بلکه مطلق سهام زکوه است بنا بر اقوی:
۵. خمس غنایم دارالحرب و آنچه به صورت غیله و حيله گرفته شود، از جمله خمس اعیان سبعة، بلکه مطلق خمس غنایم؛
۶. انفال مخصوص به امام، نظیر اراضی وانهاده شده یا تسلیم شده به مسلمین از روی رضا مانند بحرین:

فصل ششم رساله حاضر، به بحث در باب کمیت و کیفیت اخذ خراج مقاسمه شرعیه، که عبارت است از مالیات حسابه موضوعه بر اراضی مفتوحه العنوه، می پردازد. وی اندازه و کمیت دریافت آن را اگرچه منوط به نظر امام غایب و نایب عام آن حضرت می داند، ولی تاکید می کند که عدل در مذهب شیعه، که مذهب عدل و سداد است، آن است که اقتصار و اقتصاد را در دریافت خراج رعایت کنند و آن را بر مبنای گرفتن عشر حاصل و محصول

اراضی قرار دهند. به عقیده مرحوم لاری این مالیات هم می تواند از عین جنس و محصول برداشته شود و یا قسمت معادل آن مالیات دریافت گردد. ولی در هر حال، عشریه مالیات قطعی و معینی است که از محصول زمینهای معلوم المالک، مجهول المالک، مزارعات مغارسات و حتی اراضی بخش کار و غیره دریافت می شود و نوع زمین در اندازه مالیات تغییری ایجاد نمی کند. نویسنده رساله پس از تعیین میزان و کمیت دریافت خراج و مالیات مزروعی، درباب کیفیت آن توضیحاتی می آورد که اهم آنها را می توان به شکل زیر دسته بندی کرد:

۱. کیفیت اخذ و استیفاء مالیات باید به تصویب و تعیین عدول مومنین مجلس کنونی هر محل (انجمن هر شهر) باشد؛

۲. این مجلس محلی باید نسبت به محل خود به تعیین ممیز امینی مبادرت کند و آن ممیز به وصول و ایصال و نقل و انتقال مالیات پردازد؛

۳. اخذ مالیات باید در موقع خود انجام گیرد نه در غیر موقع؛

۴. هرگز نباید به بهانه گرفتن مالیات مامور شراب خوار و فاجری را متولی بر جان و مال و عرض و ناموس رعایا کرد؛

مرحوم لاری پس از توضیح در باب کیفیت اخذ مالیات، از سایر حرکات وحشیانه معموله دوره استبداد که به بهانه های عدیده مانند سرانه، مالیات دواب، تذکره، قرنطینه، راهداری و گمرک از مردم مالیات دریافت می کردند، به شدت انتقاد می کند و اخذ آن مالیات ها را موجب پراکندگی خلائق و تخریب بلاد و از بین رفتن و داد و اتحاد می شمارد. (همان، ۱۳۷۴: ۴۰۴)

۴.۴ وجوه اختلاف مشروطه مشروعه با دولت استبدادی

اخیرین بحث مرحوم لاری، در رساله قانون در اتحاد ملت و دولت بیان فرق دولت مشروطه مشروعه با دولت استبدادیه است. که تفاوت های دو نظام را به شکل اجمالی توضیح می دهد. باز هم اهم مباحث وی را می توان به شکل زیر دسته بندی و تسهیل کرد:

۱. فرق مشروطه مشروعه و مستبده فرق اسلام با کفر، حلال و حرام، حق و باطل و بهشت و دوزخ است؛

۲. تمام اسلام و ایمان و جنان و روح و ریحان و رضا و رضوان ناشی و منتهی به سلطان عدل و احسان و برکت قران و امام زمان است، چنانچه تمام کفر و کفران و نقص و نقصان، راجع و مرجوع و ناشی و منتسب و منتهی به ظلم و عدوان و جور و طغیان است. به همین دلیل است که سلطان عادل شریک در عبادت و صلاح تمام عباد و صلحاء است و سلطان ظالم، شریک در کفر و فسق تمام کفره و فسقه است.

قبلاً گفتیم که مشروطیت مورد نظر مرحوم لاری که او از آن به عنوان مشروطه مشروعه یاد می‌کند با مشروطه موجود متفاوت است. او علیرغم این تفاوت، مشروطه موجود را مورد تأیید قرار می‌دهد. و به صرف تفاوت آرمان و واقعیت، واقعیت را محکوم نمی‌کند. وی درست با توجه به همین واقع گرای است که تتمه‌ی آخرین بحث خود به تفاوت مشروطه مشروعه آرمانی خود با مشروطه موجود اشاره می‌کند و در قالب سخنان زیر مشروطه موجود را مورد تأیید قرار می‌دهد:

(ایقاز و تنبیه و عبرت و تجربه و حجت بالغه و محجه قاطعه این است که قریب دو سال است که احیاء اسم ملت و مجلس مشروطیت حسب الامر شریعت و حضرت حجت عج شده با وجودی که اسم بدون مسمی و بدون حقیقت و معنی و بدون ترتیب آثار و سمیت و مراسم ملت و شریعت از مجازات و سیاست و حفظ محاسن صورت و سیرت مع ذلک کله این اسم اعظم ملت اسلام تسخر تام و تأثر عام در قلوب خواص و عام و تالیف نفوس نام مثل علاقه ارحام بین مختلف الاقوام نموده ...)(لاری، ۱۳۲۵: ۸)

سید در این اثر به بیان مشروط صحت مجلس ملی اسلامی، حقوق کلی افراد و اجتماعات و گسترش عدالت و بیان حیل‌های مستبدین می‌پردازد و در اولین صفحه‌های رساله می‌نویسد: هواخواهان ابطال مشروطیت استبداد طلبان، اکنون با حیل‌های جدید قدم به میدان نهاده‌اند و با شعار حقی کمر به نابودی مشروطیت بستند و می‌گویند مشروطه نمی‌خواهیم، دین نبوی خواهیم. آری آنها «کلمه حق یراد بها الباطل» آنان سخن حقی بر لب دارند، ولی اراده آنها بر باطل استوار است. این‌گونه شعارها را دستاویز خود قرار داده‌اند و با مغلطه کاری بر مشروطیت خرده می‌گیرند و در پی آنند که آتشکده استبداد را بی‌فروزند و بیش از گذشته بر فتنه و فساد و کشتار و چپاول مردم و ویرانی شهرها پردازند و آتش نمرود و شداد و یزید و ابن زیاد را شعله‌ور سازند و همکاری و همبستگی و وحدت و اتحاد مردم را به هم زده و آنها را به تفرقه بکشانند. تکیه گاه مسلمین، یعنی اتحاد و همبستگی جامعه اسلامی را از بین ببرند و در میان

مومنان جدایی افکند و بدین گونه بر آنند تا با خدا و رسولش به پیکار برخیزند و در برابر مجلس برگزیدگان، مجلس ضرار به پا دارند. (لاری، ۱۳۲۵: ۲)

۵.۴ پایان رساله و یک هشدار و آگاهی

در خاتمه این رساله، سید لاری با اشاره به گذشت دو سال از تاسیس مشروطیت، توصیه‌هایی را در قالب هشدار و آگاهی به آحاد ملت ایران بیان می‌دارد و می‌نویسد:

اکنون نزدیک به دو سال است که بنا به منویات صاحب شریعت مطهره حضرت حجت عجل الله نام ملت زنده شده و مجلس مشروطیت تاسیس گردیده است. با وجودی که این اسم بدون مسما و حقیقت و معنی است و هنوز آثار شریعت اسلامی و محاسن صورت و سیرت و سیاست‌های الهی انجام نگرفته است، لیکن این اسم اعظم ملت اسلام تأثیری فراگیر در قلوب همگان داشته و به تسخیر دلها انجامیده و موجب الفت و دوستی در میان مردم شده و علاقه آنان را به هم افزوده و نور امید در دل‌ها روشن ساخته است. اگر تاکنون مجلس رسمیت و معنویتی بدان گونه یافته بود که آثار دین و ملت و احکام شریعت را احیا کند و محاسن صورت و سیرت در اعضای آن حفظ شده بودند و سیاست‌های جامعه را هماهنگ با موازین اسلامی به اجرا در می‌آوردند جلو همه این مفساد و ضایعات حقوق مردم را می‌گرفت و این همه ضایعات را برای مردم کشور به ویژه اهالی جنوب و چهارکروار مردم فارس به وجود نمی‌آورد و این همه قتل و غارت اموال و نفوس و آبروریزی و جنایت به خاطر خروج دجال (قوام الملک) و سفیانی روی نمی‌داد، بلکه موجب گشایش همه دنیا و نجات محرومان جهان می‌گشت و استخوانهای پوسیده را زنده می‌کرد و با حشمت سلیمانی، سفیانی را به قتل می‌رساند و ندای اسلام را به گوش جهانیان می‌رساند و حکم لقمانی و آثار قرآنی جاری می‌شد و هر سال گروهی از مردم خارج برعکس گذشته به اسلام روی می‌آوردند و بدان می‌گرویدند. (نجفی، ۱۳۷۶: ۵۵)

اگرچه اسم اعظم ملت اسلام و اجزای احکام شریعت خیرالانام به خاطر باطن شریعت و وجود مقدس حضرت حجت عجل الله از سوی خدای بزرگ تأیید شده است، ولیکن بنا به آیات محکم قرآن و تکلیف شرعی مردم مسلمان که باید با راستگویان همراهی کنند و یاران خدا گردند و بر اساس نیکی و پرهیزگاری در راه خدا با هم همکاری نمایند، باید به حمایت مجلس برخیزند. و آن را در این جهت تقویت نمایند و به همه واجب است که به متعهدین و اعضای مومن مجلس مقدس احترام و اکرام نمایند و وجوه اوقاف و مال و صایات و نذورات و خیرات و مبرات و وجوه بیت المال را در راه این مهم نثار اعضای متعهد و مسئول مومن این مجلس مقدس بنمایند. (لاری، ۱۳۲۶: ۲۴)

۵. نتیجه‌گیری

مشروطه از دیدگاه سید لاری، صبغه‌ای کاملاً دینی داشت و اساساً با دیدگاه‌های علمای مشروطه خواه تهران و نجف، تفاوت بنیادی داشت. حکومت مورد نظر سید، نه تنها مشروطیت نبود، بلکه دقیقاً نقطه مقابل آن به حساب می‌آمد.

مشروطه یک نظام دینی نیست، بلکه نظامی است عرفی که در آن با اتکاء به آرای آزاد مردم، ضمن تقسیم بندی در حوزه‌های شرع و عرف و تمایز آنها از یکدیگر، نوعی حکومت برقرار می‌شود که سر و کار آن با اجرای اجتماعیات و سیاسیات به مقتضای شرایط روز است.

علمای مشروطه خواه، به هویت غیر دینی مشروطه وقوف داشتند و می‌دانستند که این رژیم، نظامی است عرفی، لیکن همین نظام را با شرایط فرهنگی ایران تطبیق می‌دادند، یعنی نظامی را که در فرهنگ مردم ایران شناخته نبود، با ابزارهای فقهی و اصولی خود معرفی و تبیین می‌کردند، لیکن سید لاری به چنین اقدامی مبادرت نمی‌ورزید و حکومت مورد نظرش کاملاً هویت دینی و غیر عرفی داشت.

آنچه سید بیشتر بدان می‌اندیشید رواج شریعت و حکومت شرع بود. سید دین را فقط منحصر در شریعت می‌دید و کلیه تلاش او هم در جهت اجرای احکام شرع بود و برخلاف مشروطه طلبان اعم از علما یا روشنفکران که حداکثر در تلاش برای تاسیس نظامی عرفی بودند که با آرای دینی آنها هماهنگ باشد، سید در پی تاسیس نظامی شرعی برآمده بود؛

سید تشکیل مجلس را واجب کفایی می‌دانست؛ یعنی اینکه برای حفظ حقوق مردم باید به اندازه کافی عده‌ای وجود داشته باشند که آن را حفظ و حراست کنند و با حضور آنان و جوب امر از دیگران ساقط است. او معتقد بود که مجلس در «امور حسبیه و رفع مفسد کلیه و حقوق نوعیه» حق اظهار نظر دارد و حضور افراد به اندازه کفایت، شرط صحت انعقاد آن است و تعداد اعضا هم متناسب با شرایط زمان و مکان متغیر است.

در رساله قانون اتحاد ملت و دولت مطلبی در مورد صحت انعقاد مجلس، شرایط اعضای مجلس، احکام و حقوق و وظایف اعضای مجلس، شروط کمال و تکمیل مجلس، حاکم عادل شرع مجری حدود شرعی و سیاست‌های الهی، مستبدین در حکم مفسدین فی الارض و محاربین با مسلمین اند، مالیات بر زمین، بیت المال مسلمین، تفاوت میان حکومت مشروطه مشروعه و حکومت استبدادی، و هشدار و آگاهی وجود دارد که نویسنده دیدگاه‌های خویش را در موارد یاد شده به طور موجز بیان می‌دارد.

رساله قانون اتحاد ملت و دولت در یک جمع‌بندی موید دیدگاه‌های جناح تفکر مشروطه مشروعه است و در تمامی بحث‌ها و جزئیات سیاسی روح شریعت اسلامی را ناظر و حاضر می‌داند و به خصوص اهداف و اخلاق سیاسی اسلام را در تمامی نهادها و موسسات مشروطیت از اهم ضروریات می‌شمرد. انتقادات رساله مزبور از منطق مستبدین و روحیه استبداد طلبان به خوبی موید این نکته است که این جناح، علیرغم تبلیغات رایج دستگاه حاکمه زمان، خواهان اعاده نظام استبدادی نبوده، بلکه خواهان اصلاحاتی در برنامه سیاسی مشروطیت بوده‌اند، هرچند این انتقادات در صحنه عمل با برخوردها و کشمکش‌های سیاسی توأم می‌شده است.

این تصور خطاست که سید لاری از مشروطیتی که در آن اختیار قانونگذاری برعهده نمایندگان مردم گذاشته شده و تفکیک قوا در آن ملحوظ می‌گردد و آزادی اندیشه محور قرار می‌گیرد، دفاع می‌کرده است. در رسائل او کوچکترین اثری از این مفاهیم دیده نمی‌شود و حتی جمله‌ای دال بر دفاع از مشروطیتی که در تهران مورد حمایت واقع می‌شد باشد، به چشم نمی‌خورد. نهایت آرمان سیاسی سید اقامه «عدل» بود، عدل به همان شکلی که از طرف سیاستنامه نویسان و فقهای پیشین مطرح می‌گردید و اینکه سلطان حق ظلم بر رعیت ندارد. همین دلیل تفاوت بین سلطنت عادل و سلطنت ظالمه به اندازه تفاوت بین اسلام و کفر است.

کتاب‌نامه

- آبادیان، حسین (۱۳۷۴)، *مبانی نظری حکومت مشروطه و مشروعه*، چاپ اول، تهران، نشر نی.
- افشار، ایرج (۱۳۵۹)، *اوراق تازه‌یاب مشروطیت و نقش تقی‌زاده*، چ ۱، تهران: جاویدان.
- آقابزرگ تهرانی، محمدحسین (۱۴۰۳ق)، *تعبء البشر*، چ ۲، مشهد: دارالمرتضی.
- آیت‌اللهی، سیدمحمدتقی (۱۳۶۳)، *ولایت فقیه زیربنای فکری مشروطه مشروعه*، چ ۲، تهران: امیرکبیر.
- براون، ادوارد (۱۳۷۶)، *انقلاب مشروطیت در ایران*، ترجمه مهدی قزوینی، چاپ اول، تهران: نشر کویر.
- حائری، عبدالهادی (۱۳۹۲)، *تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق*، چاپ پنجم، تهران: امیرکبیر.
- رکن‌زاده آدمیت، محمدحسین (۱۳۵۷)، *فارس و جنگ بین‌الملل*، چاپ چهارم، تهران: انتشارات اقبال.
- رکن‌زاده آدمیت، محمدحسین (۱۳۳۹)، *دانشمندان و سخن‌سرایان فارس*، چ ۱، تهران: اسلامیه.
- زرگری‌نژاد، غلامحسین (۱۳۷۴)، *رسائل مشروطیت*، چاپ اول، تهران: انتشارات کویر.

دیدگاه آیت‌الله سیدعبدالحسین لاری ... (سیدرضا حسینی و محمدرضا طاهریان) ۲۰۹

زیویار، فرهاد، وحید کارگرجهرمی و سیداحمد عسگری (۱۳۹۵)، «ماهیت مجلس عصر مشروطه در اندیشه سیاسی سید عبدالحسین لاری»، تهران، مجله جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال هفتم، شماره اول.

عنایت، حمید (۱۳۸۹)، *اندیشه سیاسی در اسلام معاصر*، چاپ پنجم، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.

فارس و جنگ بین‌الملل (۱۳۵۷)، تهران: اقبال.

کرمانی، ناظم الاسلام (۱۳۷۱)، *تاریخ بیداری ایرانیان*، چاپ چهارم، تهران: امیرکبیر.

کسروی، احمد (۱۳۶۳)، *تاریخ مشروطه ایران*، چاپ شانزدهم، تهران: امیرکبیر.

لاری، سید عبدالحسین (۱۴۱۸ق)، *مجموعه رسائل: قانون در اتحاد ملت و دولت*، قم: هیئت علمی کنگره، موسسه المعارف الاسلامیه.

لاری، سید عبدالحسین (۱۳۷۷)، *رسائل سیدلاری*، تحقیق از سیدعلی میرشریفی، چاپ اول، تهران: سازمان چاپ و انتشارات.

لاری، سید عبدالحسین (۱۴۱۸ق)، *مجموعه رسائل: آیات الظالمین*، قم: هیئت علمی کنگره، موسسه المعارف الاسلامیه.

لاری، سید عبدالحسین (۱۴۱۸ق)، *مجموعه رسائل: قانون مشروطه مشروعه*، قم: هیئت علمی کنگره، موسسه المعارف الاسلامیه.

لاری، سید عبدالحسین (۱۴۱۸ق)، *مجموعه رسائل: احکام قانون اداره بلدیة*، قم: هیئت علمی کنگره، موسسه-المعارف الاسلامیه.

لاری، سیدعبدالحسین (۱۳۷۷)، *رسائل سید لاری*، تحقیق از سیدعلی میرشریفی، ج ۱، تهران: سازمان چاپ و انتشارات.

مددپور، محمد (۱۳۸۶)، *سیر تفکر معاصر (ج ۱، ۲، ۳)*، چاپ دوم، تهران: انتشارات سوره مهر (پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی).

معاصر، حسن (۱۳۵۳)، *تاریخ استقرار مشروطیت در ایران*، ج ۲، تهران: ابن سینا.

ملک‌زاده، مهدی (۱۳۸۳)، *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*، چاپ اول، تهران: نشر سخن.

مهاجری، عبدالحمید (۱۳۷۷)، *شجره طیبه*، چاپ شده در رسائل سید لاری، جلد اول، تهران: سازمان چاپ و انتشارات.

موتقی، محمدباقر (۱۳۸۳)، *آیت‌الله سیدعبدالحسین لاری و جنبش مشروطه‌خواهی*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

نجفی، موسی (۱۳۸۷)، *حوزه نجف و فلسفه تجدد در ایران*، چاپ دوم، تهران: سازمان پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

۲۱۰ جستارهای سیاسی معاصر، سال ۱۴، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۲

نجفی، موسی (۱۳۹۲)، بنیاد فلسفه سیاسی در ایران (عصر مشروطیت)، چاپ دوم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

نصری، عبدالله (۱۳۸۶)، رویارویی با تجدد، چاپ اول، تهران: انتشارات علم.

